



بستگان و دوستان روز گار می گذرانده، اذعان می کند که هنوز همسرش را دوست دارد، هر چند که فرشته، زندگی در خارج از کشور را به بودن در کنار او ترجیح داده است. او در ادامه می گوید: «زندگی به قیمت تحقیر شدن، ارزش ادامه دادن ندارد.» می پرسیم: تحقیر شدن یعنی چه؟ فوری جواب می دهد: مثلاً اینکه ورشکست بشی یا کار تو از دست بدی. سرافکنده بشی از نداری، چنین چیزی وحشتناک است و آدم تحقیر می شود. گویا این شیوه مواجهه با مشکلات، در خانواده آن ها سابقه دارد. پدر و مادر حسین، چند سال پیش که اختلافاتشان بالا گرفته بود، هر دو اقدام به خودکشی کرده و نجات پیدا کرده اند!

● من پس از تو

«تو...توی اتاق عمل به هو...هو...هوش اومدم. ن...ن... نمی دونستم کجام. دا...

در اسلام و دیگر ادیان ابراهیمی خودکشی گناه کبیره محسوب می شود که با ارتکاب آن روح فرد در دنیای دیگر حق زندگی نخواهد داشت. اسلام خودکشی را وهن خداوند و گناه کبیره تلقی می کند و آن را معنای عقب نشینی از نیل به غایت کمال و سقوط به وادی حسرت و ناکامی و شقاوت ابدی در جهنم می داند. خداوند متعال در قرآن کریم آن را نهی و مذمت کرده؛ از جمله در آیه ۲۹ سوره نساء می فرماید «ای اهل ایمان! خودتان را نکشید، به درستی که خداوند به شما مهربان است و هر کسی این کار را از روی دشمنی و شقاوت انجام دهد، به زودی وی را به آتش جهنم می کشانیم.»

کسی که به حاکمیت مطلق خدا بر هستی ایمان داشته باشد، می داند که خداوند انسان را به سر نوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته و هیچکس را یارای آن نیست تا این حق را از انسان سلب کند. فرد با ایمان در زندگی خویش با باوری که به خدا دارد در مواجهه با مشکلات عدیده، هیچگاه امیدش را از دست نمی دهد تا درصدد خودکشی بر آید. در این میان اگر کسی نتواند با مشکلات زندگی مقابله کند و دست به انتحار زند،

داشستن لب هامو بخیه می...می زند،

خ...خیلی درد داشتتم. چیغ ک...که ...کشیدم بهم دارو زند، دو...دوباره خوابم برد.»

هانیه از نخستین دیدار با دنیا، پس از خودکشی ناموفقش، همین قدر به یاد دارد. به سبختی زبان می چرخاند لای دندان های شکسته اش و با صدایی شبیه نوار کاست پیچیده شده در ضبط صوتی قدیمی، کند و کش دار می گوید که متولد ۱۳ است؛ هر چند بیشتر از این ها به او می خورد. متولد کدام ماه و روز؟ جوابی ندارد. روی تک قالی کتیف و کهنه اتاق، خودش را دراز می کند و دست های لاغرش را به کیف دستنش می رساند. کارت آمایش اتباع خارجی را بیرون می آورد تا از روی آن، ۱۵ رده پشت را بخوانیم. مگر می شود روز و ماه تولدت را ندانی؟ یعنی تا حالا کسی برایت جشن تولد... سوال ناخودآگاهمان را ناتمام رها می کنیم. پرسیدن ندارد. پیداست که جشن و شادی، عضو پیشه غایب زندگی هانیه بوده است. «ما...مامانم ایرانی بود، بابام نه. بابام آخ...عتباد داشت. ط...

طلاقی گرفتن. از بابام خ...خ...خبری ندارم. مُمُرده و زنده ش ف...فرقی ندار. مامانم...مهریهش رو بخشیدم و م...مارو گرفت. نَ...نمی خواست من و خ...خواه...هرم ز...زیر دست اون بزرگ شیم. ه...ه...هزار بلا ممکن بود ن...سر ما بپاره...هزار بلا مثل همین پلاهایی که هانیه سر خودش آورده است. پاهای علیش، تاب یک جور نشستن ندارد. برای جابه جا شدن پلک هایش را روی هم فشار می دهد، انگار که درد دارد. «ما...ماتم خ...خواهر هفت ساله رو داد به ی...یکم خ...خونواده دیگه بزرگ کنه. مشهده اما م...من باباها...هاش ارتباط ندارم. نمی خوام بن...سر...سر بارش بشم. همین که...»

پانش ناچور می گیرد. وقت هایی که ظرف جسمش پر از حس می شود، فهمیدن حرف هایش سخت تر می شود. تقلا می کند تا بفهماند همین که بداند

آموزه های شریعت چه می گویند؟

کشور های مسلمان کمترین آمار خودکشی را دارند

به دلیلی که بر خلاف امر الهی حق حیات را از خویشتن سلب کرده است، بای ایمانی تا دنیا خواهد رفت. لذا ضمانت اجرایی خطای خودکشی در مکتب اسلام، امری اخلاقی و دینی است که در اعتقدان به آن درونی شده است؛ وجود چنین باورداشتی منجر به آن شده است تا در طول تاریخ آمار خودکشی در بین مسلمانان نسبت به سایر ملل چشمگیر نباشد. بدین ترتیب رابطه تنگاتنگ و نزدیکی بین مذهب و خودکشی وجود دارد و مذهب در پیشگیری از خودکشی مؤثر است. طبق آماری که مرکز اطلاعاتی World Population Review در سال ۲۰۲۰ و میزان و نرخ خودکشی در بین کشورها منتشر کرده، خودکشی در کشورهای اسلامی در سطح بسیار پایینی نسبت به دیگر مذاهب قرار دارد. به عنوان مثال نرخ خودکشی در بین کشورهای مانند ژاپن، روسیه، کره جنوبی، فنلاند، بلژیک، لهستان، فرانسه، آمریکا، سوئد و...نسبت به کشورهایی مانند پاکستان، افغانستان، عراق، تونس و ونزوئلا بسیار بیشتر است. طبق آمار این مرکز، ایران در رتبه ۱۴۹ قرار دارد و به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر ۴/۱ مورد خودکشی دارد.



خواهرش خوشبخت است، برایش کافی است. شب سیاه زندگی هانیه، دختری مدرسه نادهیده و بی سواد مطلق، در شانزده سالگی رقم می خورد. بی مقاومت به ناسازگاری های نوجوانانه اش با مادر، اعتراض می کند: «بابا...هاش نمی ساختم. آخ...خ...خلاقم بد بود. از خونه فرار کردم. ش...ششب شده بود. یه پس...سره رو تو خیابون دیدم. با خ...خ...خودم گفتم واسه سرگرمی می رم باباش ی...یک دوری می زنم. بهم مواد داد ت...تا بتونه بهم دس...ست درازی کنه.» به خواستش رسید؟

سر می چباند که یعنی بله.

هانیه که همه چیزش را از دست رفته می بیند به اعتیادش ادامه می دهد. چند وقت بعد، وقتی یک معتاد به خواستگاری اش می آید، نه نمی آورد. می گوید برای شوهرش هم مهم نبوده که همسرش چنین شرایطی داشته باشد. فکر می کند که برای شوهرش، فقط شاغل بودن او و اینکه می تواند خرج مواد هر دویشان را بدهد، مهم بوده است. هانیه می گوید همسر معتادش را دوست داشته اما در سه سالی که با هم زندگی کردند، هیچ وقت نفهمیده که آیا او هم دوستش دارد یا نه. در یکی از کل کل های زن و شوهری، پای اثبات عشق که به میان می آید، هانیه عقلش را کنار می گذارد و با همه حسش قولی می دهد که حالا هشت سال است دارد بهای پایبندی به همان قول را می دهد. «رقم قش بالای پل ابوطالب و خ...خودمو پرت کردم پایین. می...می خواستم بمیرم اما خ...خ...خدا خواست. عو...وضف کج چ...چ...چیزی رو رازم گرفت که واسه یه زن خ...خیلی...مهمه؛ دندونام، فکم، یا...باباهم.» یک ماه بعد از خودکشی، هانیه متوجه بارداری اش می شود. همسر معتادش در آخرین دیدار و آخرین دعوا جمله ای را می گوید که برایش هانیه، حکم پایان زندگی مشترکشان را دارد. «پولتو خوردم، ب...بدبخت کردم، حا...حامله هم که هستی. حالم و...ولت می کنم

دشواری های عملیات مشترک نجات

با دیدگاه های متفاوت

گفت وگو با آتشپاد دوم، جواد قائمی، درباره بایدها و نبایدهای مداخله در بحران خودکشی

قصد خودکشی دارد، بایدهایی دارد. ممکن است به چند مورد اشاره کنید؟

اینکه آرام باشیم. به او بگویم که می دانیم احساساتش را جدی بگیریم. به او بگویم که می دانیم احساساتش واقعی است. به دقت گوش بدهیم و اجازه بدهیم صادقانه در مورد فکر و حسش حرف بزند. پیام های امیدوارانه بدهیم. گزینه ها و راه حل های مختلف ارائه کنیم. از دسترسی او به وسایل خطرناک مثل چاقو، اطلاعات به دست بیاوریم.

● **و چند نباید کلی، لطفا.**

مضطرب نشویم. فرد را هنگام خطر حصاد رها نکنیم. اسلحه، چاقو یا هر وسیله مرگ آور دیگر را از دستش نقاپیم. مسئله را کوچک جلوه ندهیم. نخندیم و فرد را شرمنده نکنیم. با خشونت او را از خودکشی نهی نکنیم. نگوییم که جرتش را ندارد، چون این حرف او را تحریک می کند. از کلمات «می فهمم»، «چرا» و «می دانم» استفاده نکنیم. اعتقادات شخصی مان را در مورد خودکشی بیان نکنیم. خودمان را در معرض خطر قرار ندهیم.

● **در عملیات های نجات با موضوع خودکشی، موردی بوده است که حضور مردم کمکتان کرده باشد؟**

مورد خاصی را به یاد ندارم. به طور کلی اگر فرد دارای اطلاعاتی در صحنه باشد، می تواند کمکمان کند؛ مثلاً یک دکتر روان شناس. بیشتر مردم نیت خیر دارند و می خواهند کمک کنند اما آموزش ندیده اند، بایدها و نبایدها را نمی دانند و این کار را خراب می کند.

● **در این دست عملیات ها، رفتار مسردم و مددجو با نیروهای آتش نشانی چطور است؟**

به ویژه پس از حادثه پلاسکو، احترام برای نیروهای آتش نشانی و ذهنیت مثبت از کارمان، بیشتر شده است. این لباس و ذهنیت مردم از آن، در عملیات ها خیلی کمکمان می کند.

● **آتش نشانی، نیروی انتظامی، اورژانس اجتماعی، سه دستگاه اصلی در عملیات های نجات با موضوع خودکشی هستند. مدیریت واحد عملیات با توجه به تفاوت رویکردها سخت نیست؟**

گاهی سخت می شود. ما از یک دانشگاه فارغ التحصیل نشده ایم و حالا باید با نگاه هایی متفاوت وارد عملیاتی مشترک شویم. لایذ فیلم هایی مثل پلیس امداد محصول کشور فرانسه را دیده ایم. در خودرویی که به عملیات اعزام می شود، هم پلیس حضور دارد، هم آتش نشان و هم پزشک. بستر آموزشی ما ایراد دارد. مصداق های زیادی دارد؛ مثلاً اینکه پزشک ما در اتاق عمل کار می کند و یک واحد درسی «ایمنی در اتاق عمل» را نگذرانده است.

● **و سوال آخر، بی تعارف، با این سابقه و تجربه، اعزام برای عملیات هایی با موضوع خودکشی برایتان عادی و طبیعی شده است؟ اصلاً همیشه شما می توانم بیا دادن آرامش و اعضای خانواده خودم در میان است. این استرس، در بازنگشتگی که هیچ، در دوران خدمت هم به شکل دیابت و بیماری های دیگر، سراغ همکاران آتش نشانی می آید.**

تا چند روز دیگر، سابقه خدمتش در آتش نشانی مشهود سی سالگی را پر می کند و بازنگشته می شود. دکترای حریق دارد و سال هاست که برای آموزش آتش نشانان جوان تلاش می کند. آتشپاد دوم، جواد قائمی به هر نکته ای که درباره خودکشی می گوید، یک مثال عینی از عملیات هایی را که اعزام شده است، اضافه می کند؛ مثلاً خاطره دختر جوانی که سوگوار مادر بود و به دلیل افسردگی، نیمه شب در بولوار وکیل آباد قصد داشت خودش را از روی پل پایین بیندازد یا معنای که در خواجه ربیع، توهم زده بود و چاقو را گذاشته بود بیخ گلولی مادرش، یا آن یکی معنای که به دلیل مصرف مخدرهای صنعتی، عقلش زایل شده و با ششیر گازی که باز بود و فندک به دست، آماده خودکشی بود. او از اضطرابش حین عملیات نجات نوجوانی می گوید که سابقه بیماری روانی داشت و روی زرده های پل میدان شهید فهمیده، قد راست کرده بود؛ همچنین از همدردی اش با دختر جوانی که در محل کار مورد تعرض پشت بام ساختمانی در بولوار دانشجو، به زندگی اش خاتمه بدهد. او معتقد است برای اینکه آتش نشان خوبی باشی، از تمام علوم دنیا، از استاتیک، انتقال حرارت و فلش و از روان شناسی، باید چیزهایی بدانی. این را هم می گوید که در تمام این سال ها حتی دو عملیات مشابه هم ندیده است. هر کدامشان قصه ای داشتند و فرصت او برای فهمیدن ماجرا، گاهی کمتر از یک دقیقه بوده است.

● **اگر بخواهید دلیل خودکشی ها را دسته بندی کنید، چه می گوئید؟**

یک دسته مهم به اصطکاک های زن و شوهر برمی گردد. عملیاتی داشتیم که خانم و آقایو داده بودند. آقای خانه را ترک کرده بود. خانم با اعضای به هم ریخته، بعد از ریزریز کردن مبل ها، پابرهنه روی تراس طبقه سوم آمده بود و می خواست خودش را پایین پرت کند. گاهی ماجرا به دعوی فرزند و والدین برمی گردد و فرزند برای گرفتن امتیاز، دست به خودکشی می زند. گاهی ناشی از ناکامی در رسیدن به عشق است. پسر جوانی را یادم است که روی دکل برق رفته بود تا خودش را پایین بیندازد. عاشق یک دختر افغانستانی شده و دختر از ایران مهاجرت کرده بود. برخی معتقدند یا قرض های روان گردان مصرف کرده اند. برخی دیگر هم سابقه بیماری روانی دارند. عمده دلایل همین هاست.

● **توصیه های کلی شما به مردم، عبارتند از...**

در کوچه ها و خیابان های اطراف عملیات تجمع نکنید. خطر تصادف برای مردم و دیر رسیدن برای نیروهای امدادی از تبعات این تجمع است. فردی که قصد خودکشی دارد، با این ازدحام به ادامه رفتار اشتباهش ترغیب و تحریک می شود. گاهی چند جوان از روی خاسی، و به قصد خودکشی رنی و خودنمایی، می گوید که زندگی به راندگی می ماند و گاهی لازم است از توی آینه، به عقب نگاهی بیندازی. با التماس می پرسد: ی...یک خ...خ...خواهش دارم، ج...چشمای شما شبیه خ...خ...خواهرمه. می...می...می...می...می...می...می...می...می...می...ف...فقط یه کم با هم خ...خ...خرف بزنیم؟

لطفاعقب بایستید

کارشناس اورژانس اجتماعی از تجربه اش در عملیات های نجات خودکشی می گوید

اطرافیان خود با تهدید به خودکشی مواجه شدند، آن را شوخی نگیرند و مسخره نکنند. زهرا ی که در سن بحرانی بلوغ است، بیشتر می شود. چقدر این خانه، جای خالی مادر را کم دارد. اعتیاد بابا و بدخلقی هایش، زندگی شان را از هم پاشید. حالا زهرا مانده است با پدری که هوایش را ندارد و نامداری که در نامهربانی، کم نمی گذارد. افسردگی زهر اطوری است که اولیای مدرسه هم به رفتار هایش شک کرده اند. نامداری از مشکلات روحی کودک باخبر می کنند اما مانه او نه پدر، اهمیتی نمی دهند. حتی تهدیدهای چندباره دختر بیچه به اینکه خودش را خلاص می کند، خانواده را نگران نمی کند.

زهرا تصمیمش را عملی می کند؛ نه با پرت کردن خود از پنجره، بلکه با مصرف موادی که پدرش را نشنه می کرد. کودک، اوردوز می کند. پیکر کوچکش، بدون علائم هشجاری به بیمارستان، منتقل و خیلی زود، پرونده عمر کوتاهش بسته می شود. سال هاست که خاک قبرستان، جسم زهرا را در آغوش گرفته است. ۲۰سال تجربه کار در بهزیستی و ۳۰اماه خدمت در اورژانس اجتماعی(۱۲۳)، ذهن «حمیده خیری» را به باگانی آسیب های اجتماعی تبدیل کرده است. نیم ساعتی از اتمام گفت وگو می گذشته است که تماس می گیرد و دغدغه مندانه خاطره زهرا را تعریف می کند، بلکه مردم نکته ای را که می خواهد بگوید، جدی بگیرند؛ اینکه اگر در پ ر ت ا ب

می کند. در یکی از ماموریت ها با مردی سی ساله مواجه بودیم که به دلیل مصرف مخدر صنعتی، توهم داشت و می خواست خودش را از بهار خواب طبقه سوم پایین بیندازد. در همین هنگام، هر وسیله ای را که دستش می آمد، به پایین پرتاب می کرد. در آن شرایط ما هم نگران جان او بودیم و هر مردمی که در خیابان به تماشا ایستاده بودند.

او اضافه می کند: در مواردی اقدام به خودکشی به ویژه ازسوی مردان، خشونت آمیز است و فرد، مسلح به سلاح گرم یا سرد است و معمولاً علاوه بر جان فرد، جان اطرافیانش هم در خطر است. رفتارهای مردمی که تجمع می کنند، می تواند به تحریک مددجو منجر شود.

این ها یعنی هیچ کاری از دست مردم بر نمی آید؟ او پاسخ می دهد: اگر مورد اورژانسی و در آستانه اقدام به خودکشی است، نخستین کار باید تماس با تیم های امدادی به ویژه آتش نشانی باشد که در رسیدن به محل ماموریت سریع تر عمل می کنند. تلاش برای منصرف کردن چنین فردی، کاری تخصصی است و بهتر

است شهروندان عادی مداخله نکنند اما اگر مورد غیر اورژانسی است و مددجو دارد در مورد قصدش برای خودکشی حرف می زنند، می توانم بیا دادن آرامش و صحبت های حمایتگرانه، کمک کرد.

این روان شناس معتقد است: کرونا که روی شرایط اقتصادی و کاهش مرادوات افراد تاثیر گذاشته و آدم ها را تهاتر کرده و آستانه تحملشان را پایین آورده است. مسائل اقتصادی روی روابط زناشویی اثر می گذارد و اختلافات را بیشتر می کند. چنین فردی اگر به هر دلیلی دچار شکست های پیاپی شود، اعتماد به نفسش پایین می آید. ممکن است دچار افسردگی شود و اگر نتواند خودش را باز یابی کند، احتمال اقدام به خودکشی اش افزایش پیدا می کند.

فردی که یک بار خودکشی ناموفق داشته، باز هم ممکن است چنین کاری بکند. از خیری می پرسیم آیا بعد از اتمام عملیات نجات، مددجو به حال خود رها می شود؟ او می گوید: بعد از پایان عملیات باید با بررسی های کارشناسی به چند سوال جواب بدهیم؛ مثلاً اینکه آیا افکار خودکشی همچنان همراه فرد است؟ اگر پاسخ مثبت باشد، عملیات، ناتمام است. همچنین باید دلیل رفتار فرد و سوابق احتمالی او در خودکشی را بفهمیم. اگر نیازمند درمان سرپایی باشد و خانواده حمایتگر باشند، خانواده را راهنمایی می کنیم تا از خدمات مشاوره ای مراکز بهزیستی استفاده کند اما اگر خانواده همزیستی ندارند، وضعیت استان ایلام را می دانم چون مدتی برای تحقیق آنجا بودم. ددشان بزرگ و عجیب و غریب است. آمار مشهده به نسبت خودمان قابل تامل و بزرگ و از ایلام، کوچک تر است. البته مشهده در یکی از آسیب های اجتماعی که قبلاً سر آمد



روزنامه شهرامید وزنگی

۳شنبه ۱۵مهر ۱۴۰۱ ۱۸مهر ۱۴۰۱

SHAHRA NEWS.IR

۵۵

↓

جامعه

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

آرچا حجازی، مدیرکل پزشکی قانونی خراسان رضوی؛

نرخ خودکشی در کشور ۳۰۳۵

درصد هزار نفر جمعیت

و در استان، ۳۰۳۵

صد هزار نفر جمعیت

است. رتبه ایران طبق داده های مرکز

word population

review در سال ۲۰۲۰، ۱۴۹جهان

است

است

است

است

است